

میدون و سوفیا

قضیه دلار به زبان ساده



پوریا عالمی

● بابای سوفیا و سوفیا از ما می‌پرسند تو که توی روزنامه‌ای، بگو ببینم حالا که دلار کشیده پایین چه خواهد شد؟

من جواب می‌دهم:

ببینید یک عده می‌گفتند دولت توی دلارفتن قیمت دلار دست داشته که البته دولت به‌درستی این شایعه را تکذیب کرد، اما خوشبختانه و خداراشکر بدون توجه به دلارفتن قیمت دلار، بانک‌ها توانستند بخش مهمی از بدهی‌های خود را پرداخت کنند. پس ما هم موافقیم که دولت اصلا در دلارفتن قیمت دلار نقشی نداشته. دمش هم گرم. یک عده اما می‌گویند ما کاری نداریم چندماه پیش دلار را کی کشیده بالا، سؤال اینجاست که کی الان کشیده پایین؟

یک عده می‌پرسند شما این سلطان سکه را شیف‌ت‌دیلِت کردی، قبول. سکه‌هاش کو؟

یک عده می‌گویند سلطان سکه و مفسدان اقتصادی رانت اطلاعاتی داشتند که کی چی را بخرد و کی چی را بفروشد. خب آن بابایی که از پشت‌پرده مناسبات اقتصادی خبر داشته و خبرش را درز داده و شیتلِش را گرفته، چی شد؟

یک عده می‌گویند دلار که کشید بالا، قیمت خانه و ماشین و لبنیات و... مردم هم رفت بالا. الان دلار دارد می‌آید پایین، تکلیف ملت چیست؟ طرف پراید را خریده ۴۰ میلیون تومان، بفروشد ۲۰ میلیون تومان؟ خانه یکهو از متری هفت میلیون شده متری ۱۲ میلیون تومان و خانه ۸۰ متری را طرف خریده یک میلیارد تومان، الان بفروشد ۶۰۰ میلیون؟ باقیش کو؟

باقیش مهم نیست. خداراشکر بانک‌ها بخشی از بدهی‌شان را داده‌اند و این یعنی تورم در حال کنترل است. گور بابای نقدبگنی هم گلاب بریزید و فاتحه بخوانید!

بابای سوفیا می‌گوید: خاک‌ت‌سرت میدون دوم! که هر دولتی تا آرنج دستش را بکند توی عسل و بگذارد دهان ملت، تو گازت را می‌گیری.

سوفیا می‌گوید: ولی میدون دوم حقیقت این است که چه دلار برود بالا، چه بنیاد پایین فرقی در حال تو ندارد. تو زیر خط فقری و آن زیر برات فرقی نمی‌کند بالاسرت چه چیزی بالا و پایین می‌شود.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۹ آذر ۱۳۹۷ • ۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۰ • ۱۰ دسامبر ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۳۳۱۲ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۱:۵۷ • اذان مغرب ۱۷:۱۱ • اذان صبح فردا ۵:۳۴ • طلوع آفتاب ۷:۰۴

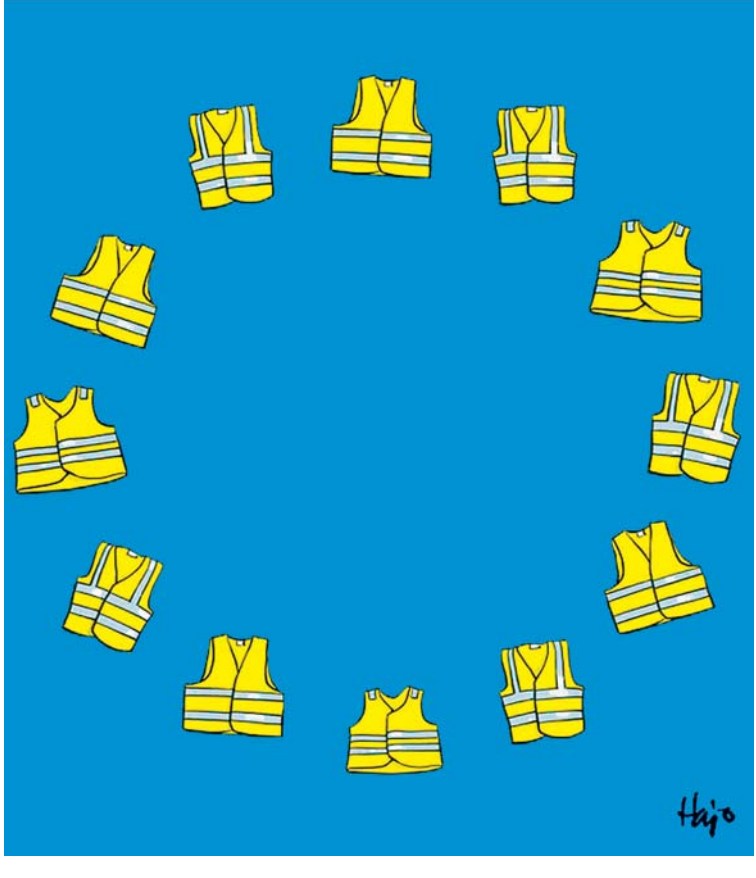
روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

هاجو دریچگر

گسترش تظاهرات «جلیقه زردها» به بیرون از فرانسه



حرفه‌ای‌ها هوشمندانه انتخاب می‌کنند

عملیات بانکی خود را به همراه بانک تجارت بسپارید حتی اگر در بانک ما حساب ندارید



۱ ورود از طریق اثر انگشت و تشخیص چهره

(در صورت وجود قابلیت آن بر روی گوشی همراه)

۲ امکان انتقال وجه، پرداخت قبوض، پرداخت‌های سازمانی، شناسه دار، خرید شارژ و بسته‌های اینترنت

۳ امکان انتقال وجه به حساب مقصد تنها با داشتن شماره همراه مقصد

۴ افزودن کارت‌های مبدا و مقصد تنها از طریق اسکن کارت



هوشنگ ماهرویان

زبان خشونت و افراطی‌گری، زبانی ویرانگر است. آنکه گیوتین و اسلحه را می‌شناسد، ضدگفت‌وگو و تعامل با مخالف فکری خود است؛ ویران می‌کند و سازنده نیست. چنان فضایی می‌سازد که در آن جایی برای دموکراسی نیست. در فضای رادیکال نمی‌توان از احترام به مخالف فکری سخن گفت. این فضا، فضایی خشن و ضدسامح است. این فضا در پی حذف و سرکوب است و چیزی از اعتدال نمی‌داند. آنکه در چنین فضایی زیست می‌کند، اگر اعتدالی هم در میان رفقای خود ببیند، با لفظ اپورتونیسم و سازش‌کار او را پس می‌زند. او شناخت خود از جهان، سیاست و تاریخ را رونوشتی راستین از واقعیت می‌نامد و شناخت غیر را شناخت دشمن طبقاتی.

اما در فضای آرام سیاسی، با زبان اعتدال می‌توان از حقوق همه اقلیت‌ها دفاع کرد. در فضای آرام سیاسی می‌توان گفت حوزه عمومی از آن اکثریت نیست و ملک مشاع همه است و می‌توان گفت اکثریت نمی‌تواند ملک مشاع اقلیت را تصاحب کند. در فضای اعتدالی می‌توان از کاستن فاصله طبقاتی سخن گفت، از گسترش بیمه‌های اجتماعی دفاع کرد و شعار حکومت قانون داد.

فضای اعتدالی، فروتنی می‌آموزد و فضای رادیکال، نخوت و غرور کاذب. رادیکالیسم فضایی می‌سازد که توان شنیدن سخن مخالف را از بین



محمد درویش

بر پایه یک ارزیابی جدید، منوی غذایی پُرگوشتی که در کنفرانس اقلیمی سازمان ملل COP24 در #کاتوویتس_لهستان عرضه می‌شود، خود سبب انتشار چهار هزار تن گازهای گلخانه‌ای بیشتر شده و به بحران اقلیمی دامن می‌زند! داده‌ها نشان می‌دهند که اگر همه ۳۰ هزار شرکت‌کننده در جریان ۱۲ روزه که کنفرانس برگزار می‌شود، خوراک‌های گوشتی را انتخاب کنند، گازهای گلخانه‌ای ناشی از این رژیم غذایی رقمی برابر با احتراق بیش از ۵۰۰ هزار گالن بنزین یا گازهای منتشرشده از پرواز سه هزار نفر از نیویورک به کاتوویتس خواهد بود.

پژوهشگرانی که بررسی نام‌برده را انجام داده‌اند، از سازمان ملل خواسته‌اند تا در آینده چارچوبی برای کشورهای میزبان در زمینه انتخاب منوی غذایی که با شرایط اقلیمی سازگاری بیشتری دارد، تعیین کند. استفتانی، فلداشتاین، مدیر برنامه جمعیت و پایداری از مرکز تنوع زیستی می‌گوید: «منوی مملو از

انتشار عکس‌های ژولیت بینوش و ماریون کوتیار در صف راهپیمایان و حمایت نسبی آلن دلون از جنبش جلیقه‌زده‌ها در روز شنبه جزء لحظه‌های مورد توجه این اعتراضات در برها بود. البته به اینها باید رفتار خشن پلیس و استفاده از گاز اشک‌آور و خودروی زرهی را اضافه کرد. یکی از شاهدان تظاهرات روز شنبه پاریس مطلبی را در اسپکتور منتشر کرده است.

گاوین مورتیمور نوشته است: «ظهر وقتی که از مترو در سن ژرمن در پاریس بیرون آمدم، مرکز پاریس برای یک روز تعطیل به‌شدت آرام بود. برای ساکنان این خیابان‌ها با حضور خریداران و گردشگران ماه دسامبر کابوسی همیشگی بود، اما امروز این‌طور نبود! لوئی وتون، سواروفسکی، چند بانک و بیشتر کافه‌ها تعطیل بودند. کمی جلوتر اولین مواجهه‌ام با پلیس ضدشورش؛ جایی که ۱۲ جلیقه‌زرد را به شکل محترمانه‌ای دستگیر کرده بودند. زیر پل،

پاپائونلی را با جلیقه‌زرد دیدم که به آرامی در امتداد رودخانه راه می‌رفت. سانتا کلاوس خارج از دید پلیس بود و دیدم که لباسش را عوض کرد و با شلوار جین سیاه و یک کت و شلوار سیاه‌وسفید منطقه را ترک کرد. آرام به سمت لوور می‌رفتم. از قبل اعلام شده بود که به علت این تظاهرات لوور و ایفل تعطیل هستند، اما مسیر در تسخیر پلیس ضدشورش بود. یکی از آنها از من خواست به او نزدیک شوم، به

پشت تاریخ

اعتدال راه‌حل است یا افراط؟

می‌برد و به‌جای بحث با مخالف، برچسب‌های اخلاقی و حیثیتی است که بر سر مخالف ریخته می‌شود تا او را خفه کند.

برعکس، اعتدال می‌تواند صدای مخالف را بشنود، آن را تحمل کند و بالاخره درباره‌اش فکر کند و به تصحیح تفکر خود بپردازد. ولی سخن رادیکال را توان شنیدن پاسخ نیست. سخن رادیکال می‌خواهد نظم جهانی بسازد. تحریم‌های اقتصادی را مانند احمدی‌نژاد، ورق‌پاره می‌نامد و توان شنیدن سخن مخالف را ندارد.

صدای اعتدالی، صدای نلسون ماندلا است که شکنجه‌گر و زندانین خود را می‌بخشد، با افراطی‌گری ساختار جامعه را برهم نمی‌ریزد و باعث رشد و شکوفایی می‌شود. برعکس، صدای افراطی مانند صدای لنین، کودک خردسال خانواده تزار را هم می‌کشد، به آیین‌های قضائی و دادرسی پوزخند می‌زند و می‌گوید اینها از آن بورژوازی هستند و خود را دادستان، قاضی و مجری حکم می‌داند و حمام خون راه می‌اندازد. بی‌اعتنا به دستاوردهای آدمی در طی قرون، شعار تعاونی‌های روستایی می‌دهد و با کالخوزها و ساوخوزهایش تمامی روابط دامداری و کشاورزی را از بین می‌برد (البته این در ادامه لنین، یعنی زمان استالین عملی می‌شود). این نگاه توان ایستادن و به پشت سر خود نگاه‌کردن و تحلیل اشتباه‌های خود را ندارد. نخوت سر تا پایش را گرفته است؛ پس توان نقد خود را ندارد. آنچه کرده، در نظرش خوب مطلق است. خودش بری از اشتباه است. اشتباه از آن مخالف فکری اوست که حق سخن‌گفتن را هم از او گرفته است.

کلام افراطی‌گری کلام گیوتین و گلوله است و کلام اعتدال، کلام گفت‌وگو و تعامل؛ چه در

نگاه سبز

کنفرانسی که بحران را تشدید کرد!

گوشت در کنفرانس COP24 یک بی‌احترامی به اهداف این کنفرانس است. اگر رهبران جهان که در لهستان گردهم آمده‌اند، امیدوارند که بحران اقلیمی را نشانه بگیرند، نیاز دارند تا مصرف بیش از اندازه گوشت و لبنیات را کاهش دهند و بایست از بشقاب خوراک خود شروع کنند. این به آن معناست که تغییر را باید از خوراک‌ی که در جریان کنفرانس بین‌المللی اقلیم عرضه می‌شود، در مسیر گزینه‌های گیاهی بیشتر با ردپای کربن کمتر انجام داد».

گفتنی آنکه خوراک‌های گوشتی به‌طور میانگین چهاربرابر بیشتر از خوراک‌های گیاهی گازهای گلخانه‌ای تولید می‌کنند. علاوه‌براین خوراک‌های گوشتی در مقایسه با خوراکی‌های گیاهی ۹ برابر بیشتر به زمین و تقریباً دوبرابر بیشتر به آب نیاز دارند. کلر فیچ از سازمان غیرانتفاعی Farm Forward می‌گوید: «شاید خوراک‌هایی که در کنفرانس صرف می‌شود در کاهش گازهای گلخانه‌ای در جهان به اندازه یک سیب‌زمینی کوچک به نظر آید، اما اگر آنها که در خط‌مقدم مذاکرات اقلیمی جهان قرار دارند، به آنچه می‌گویند پایبند نباشند، ما چگونه می‌توانیم از باقی دنیا انتظار همراهی داشته باشیم؟»

بررسی‌های پژوهشی نشان داده‌اند که رسیدن

امور داخلی و چه در امور بین‌المللی. اعتدال می‌تواند به توسعه صنعتی و اقتصادی برسد و در سایه تعامل با جهان، به پیشرفت‌های گسترده تکنولوژیک دست یابد؛ اما افراط آن‌چنان با نخوت و غرور به جهان می‌نگرد که توانایی یادگیری را از دست می‌دهد. فقط می‌تواند شعارهای تندوتیز بدهد و با تخریب روابط جهانی، کشور را در انزوا قرار دهد.

سخن رادیکالی در گوش‌های خود پنبه می‌گذارد و فقط حرف خود را می‌زند. توان تحلیل و بررسی شرایط جهانی را ندارد. خشک‌سر و یک‌دنده است؛ چنان که دوستان را هم حذف می‌کند. سیاست حذف، سیاست رادیکالی است و سیاست تحمل، سیاست اعتدال و میانه‌روی. استالین قریب‌به‌اتفاق انقلابیون را کشت؛ بوخارین، زینوویف و حتی تروتسکی را در آمریکای لاتین. مانو با انقلاب فرهنگی خود، مخالفان فکری خود را سرکوب کرد و کشت. افراطی‌گری قادر به فهم زبان اعتدال، گفت‌وگو، اصلاح و میانه‌روی نیست.

کلام آخر اینکه آقای روحانی با شعار اعتدال و حل مشکلات به ریاست‌جمهوری رسیدند و در مقابل شعارهای احمدی‌نژاد محبوبیت یافتند. اینک هم با اعتدال و تفکر می‌توانند مشکل آذراب، هیکو و هفت‌تپه را حل کنند. مشکل اینها با افراطی‌گری، مصادره و بعد خصولتی‌شدن ایجاد شد؛ بدون تأمل و تفکر. اکنون با تأمل و تفکر باید کوشید و بسیار کوشید تا با حمایت‌های گمرکی و تکنولوژیک، مسئله را حل کرد؛ مسئله‌ای که گریبان قریب‌به‌اتفاق کارخانه‌ها و تولیدی‌های ما را گرفته است و راه برطرف‌کردنش البته اعتدال است.

تجربه دیگران

پاریس، جشن بیکران

بود «عطر پیروزی». همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، حرکت به سمت خانه مکرون (و سفارت بریتانیا) را ممنوع کرده بودند. نزدیک‌تر گروهی از جلیقه‌پوشان خندان یک پست فرماندهی درست کرده بودند و اعلامیه‌هایی به علاقه‌مندان می‌دادند. یکی از آنها را گرفتم که رویش نوشته بود «پایان فقر» و از پرولتاریا خواسته بود که دولت، دستمزد و پول را پایان دهند یا نوشته بود: «ما باید تنها یک آرزو داشته باشیم، پایان مالیات».

روی جلیقه اکثر حاضران شعارهایی وجود داشت، بیشتر در مورد عدالت اجتماعی و نابرابری. زنی را دیدم که بر پشت جلیقه‌اش نوشته بود: «با پلیس تماس نگیرید». کم‌کم شرایط تغییر کرد، جمعیتی حدود ۴۰،۲۰۰ نفر نزدیک شدند که اکثر آنها جلیقه نداشتند، ماسک‌ها و کلاه‌های پلیس را برداشتند. گاز اشک‌آور زده شد. البته جمعیت که شعار ادامه دادند و به رئیس‌جمهور می‌گفتند که

چه‌کار باید بکند و کجا برود. به سمت شان‌ده‌لیزه حرکت کردم که پیداکردن مسیرش خیلی آسان بود، چراکه صدای انفجارها و حرکت بالگردها شنیده می‌شد. نمی‌خواستم اخبار را بشنوم، اما ساعت شش بعدازظهر، رسانه‌های فرانسوی می‌گفتند که اگرچه خشونت در مقیاس مشابه با شنبه گذشته نبود، اما نزدیک به ۷۵ نفر در پاریس دستگیر و ۵۵ نفر مجروح شدند، از جمله سه پلیس و دو روزنامه‌نگار.

